



نقد و معرفی کتاب نظام انطباق در زبان تاتی

راحله ایزدی‌فر

چهارم‌دوست سبز علیپور^۱

۱- مقدمه

این کتاب در سال ۱۳۹۶ از سوی انتشارات فرهنگ ایلیا، در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه؛ ۲۰۰ صفحه و در قطع وزیری با جلد شُمیز در رشت به چاپ رسیده است. آن گونه که از مقدمه این پژوهش برمی‌آید، این کتاب بخشی از رساله دکتری خانم ایزدی‌فر، در رشته زبان‌شناسی همگانی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان است. نگارنده این اثر که آن را تنها مقدمه‌ای جهت بررسی علمی زبان غنی و کهن تاتی می‌داند (ص ۱۱) اظهار امیدواری کرده است که «نواقص و کم‌کوشی‌هایش عامل و بهانه‌ای برای تکمیل، مطالعه و تحقیق بیشتر در این حوزه باشد» (همان).

در مورد نحو زبان تاتی تحقیقات کمتری به نسبت دیگر بخش‌ها صورت گرفته است. این کتاب که به نحو تاتی اختصاص دارد، از یک پیش‌گفتار، سه بخش اصلی و کتاب‌نامه تشکیل شده است. در بخش اول پیشینه تحقیق در مورد نظام انطباق در زبان تاتی؛ در بخش دوم نظام انطباق در زبان تاتی؛ و در بخش سوم نتیجه‌گیری آمده است. بعد از صفحات فهرست این کتاب، جدول نشانه‌های اختصاری آمده است. پیش‌گفتار این کتاب در دو صفحه و فصل اولش که به پیشینه تحقیق در مورد نظام انطباق در زبان تاتی اختصاص دارد؛ در نه صفحه تنظیم شده است که نشان می‌دهد نویسنده به دلایلی (احتمالاً جلوگیری از حجم زیاد صفحات کتاب)، از ذکر همه پیشینه تحقیق در کتاب خودداری کرده است.

بعد از فهرست کتاب، جدولی آمده است که عنوان این جدول «علائم آوانگاری و نشانه‌های اختصاری» است. برخلاف عنوان این جدول یک صفحه‌ای، هیچ یک از علائم آوانگاری این کتاب، در این جدول معرفی نشده‌اند. با توجه به اینکه ممکن است عده‌ای از خوانندگان با این نشانه‌ها آشنا نباشند، بهتر این بود که نشانه‌های به‌کار رفته در کتاب همگی معرفی می‌شدند.

در پیش‌گفتار این کتاب به نام تعداد زیادی از استادان و گویشوران برمی‌خوریم که در این پژوهش به نویسنده کمک کرده‌اند. این مطلب نشان از آن دارد که نویسنده کتاب، علاوه بر مراجعه به استادان در تحلیل مباحث، در مراحل جمع‌آوری داده‌ها به گویشوران و خانواده‌های بسیاری مراجعه کرده‌است و روش جمع‌آوری داده‌های میدانی بوده‌است. در این کتاب، نظام انطباق پنج‌گونه تاتی داخل ایران بررسی شده است:

- ۱- گونه کرینی (گونه رایج در روستای کرین^۱ در دهستان پلنگا بخش شاهرود خلخال از استان اردبیل)؛
- ۲- گونه اشتهاردی (این گونه در شهر اشتهارد و روستاهای اطراف رایج است. اشتهارد بخشی از شهرستان کرج است)؛
- ۳- گونه هزاررودی (این گونه در روستای هزاررود علیا در دهستان آب‌بر بخش مرکزی شهرستان طارم از استان زنجان رایج است، به نوشته محقق (ص ۹۵) این گونه در میان تعداد اندکی از سالخوردگان این روستا باقی مانده است)؛
- ۴- گونه تاکستانی (این گونه در شهر تاکستان از استان قزوین رایج است، تاکستان مرکز شهرستانی به همین نام است)؛
- ۵- گونه جوینی (گونه‌ای رایج در روستای جوین از دهستان رستم‌آباد جنوبی از توابع بخش مرکزی شهرستان رودبار در استان گیلان است).

همچنان که معلوم است گستره جغرافیایی این تحقیق پنج استان اردبیل، البرز، زنجان، قزوین و گیلان است. نویسنده برای موقعیت دقیق جغرافیایی گونه کرینی سه نقشه در صفحات ۲۴-۲۵ ارائه کرده؛ نظام انطباق این گونه را تقریباً در ۴۲ صفحه معرفی کرده است. برای گونه اشتهاردی یک نقشه در صفحه ۶۶ آمده و نظام انطباق این گونه در ۲۹ صفحه با مثال‌های متعددی معرفی شده‌است. برای نشان دادن موقعیت دقیق گونه هزاررودی، نویسنده دو نقشه در صفحه ۹۶ آورده و نظام مذکور را به‌طور تقریبی در ۲۵ صفحه نشان داده است. برای نشان دادن تاکستان نقشه‌ای در صفحه ۱۲۱ آمده و نظام انطباقش در ۱۸ صفحه با مثال‌هایی بررسی شده است. بالاخره برای نشان دادن موقعیت دقیق جوین دو نقشه در صفحات ۱۵۵-۱۵۶ آمده و شواهد نظام انطباق آن گونه تقریباً در ۲۲ صفحه معرفی شده است. اختصاص صفحات بیشتر به گونه کرینی گویا نشان از آن دارد که در این گونه نظام انطباق بیش از دیگر گونه‌های تاتی قابل ملاحظه است. نویسنده خود نیز در نتیجه به این امر اشاره کرده و بر اساس شواهد به‌دست آمده نوشته‌است: «می‌توان نظام حالت‌نمایی و مطابقت گونه کرینی را کهن‌ترین نظام انطباق در میان گونه‌های بررسی شده دانست» (ص ۱۸۶).

یک تورق کوتاه چند دقیقه‌ای نشان می‌دهد که سراسر کتاب مملو از شواهدی از زبان تاتی است که از طرفی تک‌تک آنها آوانگاری شده و از طرفی

۱- تلفظ دقیق این نام در کتاب نیامده است. این روستا در زبان تاتی به شکل karən و در مکاتبات و مکالمات رسمی به شکل karin تلفظ می‌شود (نک. سبزه‌علیپور، ۱۳۹۴: ۴۹).

نحوی آنها آمده است. از روی شواهد گویشی شماره‌گذاری شده این کتاب، می‌توان فهمید تعداد ۹۵۷ جمله تاتی در این کتاب بررسی شده است که با توجه به دقت در ثبت این جملات، به پیکره نسبتاً خوبی از زبان تاتی می‌توان دست یافت. این روش تحقیق در سایر آثار نویسنده که قبل از این به صورت مقاله منتشر شده بود، نیز به چشم می‌خورد و گواه دقت در پژوهش است و می‌توان با اعتماد بیشتری به سراغ این پیکره زبانی رفت.

در پیشانی کتاب در بخش پیش‌گفتار جمله‌ای وجود دارد که کمی محل تأمل است. «این اثر صورت تکمیل شده رساله دکتری نگارنده در رشته زبان‌شناسی همگانی دانشگاه بوعلی سینا همدان است» (ص ۱۱). ظاهراً معنای این جمله اینست که این کتاب تکمیل شده و چیزهایی بیش از رساله نامبرده دارد؛ اما تا جایی که نگارنده می‌داند، این کتاب فقط بخش کوچکی از رساله دکتری نامبرده است، چندین بخش از بخش‌های مهم رساله از جمله بخش پیشینه تحقیق در مورد زبان تاتی در این کتاب نیامده است. بدون توجه به پیشینه تحقیق و نیز بدون توجه به دسته‌بندی‌های محققین مختلف در مورد زبان تاتی این کتاب چیزی کم دارد. خواننده‌ای که به دنبال نظام انطباق در چندین نواحی مختلف است و می‌خواهد آنها را با هم مقایسه کند، اطلاعات بسیار کمی (در حد یک پاراگراف در صفحه ۱۳) از این زبان در کتاب به دست می‌آورد و مجبور است این بخش را از روی منابع دیگر جبران کند. این در حالی است که نویسنده خود در رساله چنین کار دقیقی را انجام داده بود، ولی وضعیت نشر در کشور ایشان را مجبور کرده از بخش‌های مهمی از رساله‌اش بزند تا بتواند آن را چاپ کند و مقدار صفحات را به کمترین حد برساند. با این حال باید از ایشان تشکر کرد که راضی شده است همین مقدار را به چاپ برساند چون رساله‌های دکتری کشور همه به این اقبال دست نمی‌یابند. با این تفسیر باید جمله پیشانی کتاب را به این صورت اصلاح کرد: «این کتاب شکل خلاصه شده و بخشی از رساله دکتری نگارنده است».

همچنان که ذکر شد، گستره جغرافیایی این تحقیق بسیار وسیع است. گرچه نویسنده در رساله خود به طور کامل به رواج تاتی (یا به تعبیری ادامه زبان آذری) در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، گیلان، استان مرکزی، قزوین، البرز، خراسان شمالی و مناطقی دیگر اشاره کرده، اما به دلیل گستردگی حوزه رواج تاتی، فقط پنج گونه در پنج ناحیه مختلف را انتخاب و بررسی کرده است. اولین مطلبی که به ذهن می‌رسد، این است که از مجموع زبان‌های ایرانی، بعد از زبان فارسی کمتر زبانی است که در استان‌ها و نواحی مختلفی، به این گستردگی، رواج داشته باشد. دلیل این گستردگی چیست؟ چگونه چنین زبانی این همه گویشور دارد؟ اینها سوالاتی است که پاسخ بدان چندان هم آسان نیست. بدان خاطر بین محققان در دسته‌بندی شاخه‌های تاتی کمی اختلاف است.

برای نشان دادن گستره جغرافیایی زبان تاتی نخست، به طور کلی زبان تاتی معرفی می‌شود و در ادامه، مواردی دیگر از کتاب ایزدی فر بررسی خواهد شد.

۲- زبان تاتی

تاتی زبانی از زبان‌های ایرانی شاخه شمال‌غربی است که در نواحی مختلف ایران رایج است. پژوهشگرانی از گذشته‌های دور تأیید کرده‌اند که زبان مردم آذربایجان پیش از غلبه زبان ترکی، زبان ایرانی آذری بوده است. ابن مقفع (متوفی ۱۴۲/۷۵۹) به نقل از ابن ندیم زبان آذربایجان را پهلوی (الفهلویه)، منسوب به فهلّه یعنی سرزمینی که شامل اصفهان و ری و همدان و ماه‌نهاد و آذربایجان بوده، ذکر کرده است. ابن حوقل متوفی در حدود ۳۷۱/۹۸۱ نیز گفته: «زبان مردم آذربایجان و بیشتر مردم ارمنستان، ایرانی (الفارسیه) است که آنها را به هم می‌پیوندد و عربی نیز میان آنان مستعمل است» و این گفته ابن حوقل، گواه روشنی از ایرانی بودن زبان آذربایجان در قرن چهارم هجری است. گفته یاقوت حموی که «مردم آذربایجان را زبانی است که آن را آذری (الاذریه) می‌نامند و مفهوم کسی جز آنها نیست» رواج زبان ایرانی آذری را مقارن حمله مغول تأیید می‌کند و از گفته زکریا بن محمد قزوینی که در ۶۷۴ تألیف شده و گفته که «هیچ شهری از دستبرد ترکان محفوظ نمانده است مگر تبریز» برمی‌آید که حداقل تبریز تا زمان اباکوا بن هولاکو از تأثیر ترکی برکنار بوده است. حمدالله مستوفی در قرن هشتم زبان مراغه را «پهلوی معیر» خوانده است (یارشاطر ۱۳۵۴: ۳۹۱-۳۹۳). به دنبال اینها، کسروی به بررسی تاریخی زبان این منطقه پرداخت و نمونه‌هایی از این زبان باستان را به دست آورد. او در سال ۱۳۰۴ چاپ نخست کتاب *آذری یا زبان دیرین آذربایجان* را منتشر کرد.

امروزه وقتی صحبت از زبان آذری می‌شود، منظور زبانی است که خودش از بین رفته ولی بازمانده‌هایی از آن در گوشه‌های مختلف ایران رایج‌اند. این گویش‌ها در سرزمینی که میان رود ارس در شمال و حدود کرج در مشرق و حدود ساوه و همدان در جنوب و مغرب گسترده است به صورت پراکنده باقی مانده‌اند و با یکدیگر رابطه قوی دارند و بیشتر آنها را از یک گروه به‌شمار آورده‌اند. گویشوران این گویش‌ها خود را تات می‌نامند و این گویش‌ها را از قول گویشوران‌شان تاتی می‌نامند (یارشاطر، ۱۳۳۶: ۳۶-۳۷).

۳- شاخه‌های مختلف زبان تاتی

زبان تاتی به دو دسته مختلف جنوبی و شمالی تقسیم می‌شود. شاخه جنوبی تاتی در داخل ایران رایج است و از شاخه‌های زبان‌های ایرانی شمال‌غربی است ولی شاخه شمالی آن در خارج از ایران رایج است و جزء زبان‌های ایرانی جنوب‌غربی است (یارشاطر، ۱۹۶۹: ۱۱۳؛ استیلو، ۱۹۸۱: ۱۳۷).

استیلو (۱۹۸۱: ۱۳۸-۱۴۱) گونه‌های تاتی ایران و گونه‌های تالشی را به علت شباهت‌های زیاد بین این گونه‌ها، در یک گروه قرار داده و آن را گروه زبانی «تاتی-تالشی» یا «تاتی‌تبار»^۱ نامیده است. استیلو این گروه را به چهار زیرگروه تقسیم کرده است:

الف) تاتی‌تبار شمالی: گویش‌های شمال آذربایجان شرقی و غربی و تالشی شمالی.

ب) تاتی‌تبار مرکزی: گویش‌های منطقه خلخال و طارم علیا و تالشی مرکزی و جنوبی.

ج) تاتی‌تبار جنوبی: گویش‌های منطقه رامند و اشتهارد و وفس و الویر و ویدر.

۱. Tatic

د) تاتی تبار انتقالی: بیشتر گویش‌های منطقه رودبار.

به‌طور کلی می‌توان تاتی بررسی شده در کتاب ایزدی‌فر را در مناطق زیر جستجو کرد:

۳-۱- تاتی آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل

رایج بودن زبان تاتی در مناطق مختلفی از آذربایجان در حال حاضر نشان می‌دهد که این زبان از دیرباز در این مناطق رواج داشته است و شامل گونه‌هایی چنین است: گونه هرزنی در روستای گلین‌قیه (بین مرند و جلفا در استان آذربایجان شرقی)؛ گونه کرینگانی در ورزقان و گونه کلاسوری در کلیبر آذربایجان شرقی؛ گونه‌های متنوع خلخال شامل گونه‌های رایج در دو بخش شاهرود و خورش‌رستم خلخال و گونه عنبرانی در اردبیل (نک. یارشاطر، ۱۳۵۴: ۳۹۶).

۳-۲- تاتی منطقه رامند

این گویش‌ها در جنوب و جنوب غربی قزوین رایج هستند و در تقسیم‌بندی‌های یارشاطر (۱۹۶۹) و لُکوک (۱۳۸۳: ۴۹۰) با عنوان گروه جنوبی ذکر شده‌اند و به لحاظ زبانی به گویش‌های تاتی خلخال نزدیک هستند و به دو دسته گونه‌های منطقه رامند استان قزوین، گونه اشتهارد و گونه‌های اطراف کرج در استان البرز تقسیم می‌شوند.

۳-۳- تاتی منطقه رودبار گیلان

این گویش‌ها شامل رحمت‌آباد، رستم‌آباد و کلشتر می‌باشند. تات‌ها یکی از سه گروه عمده قومی در استان گیلان هستند. تات‌ها در مناطق بیلاقی این استان و در همسایگی با تالشی‌ها، رودبار و جنوب لاهیجان و رودسر که کوهستانی است ساکن هستند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). تات‌زبانان رودبار در برخی روستاهای مناطق عمارلو (دو بخش خورگام و فاراب) و رحمت‌آباد زندگی می‌کنند (سبزی‌علیپور، ۱۳۸۹: ۲۰).

۳-۴- گویش‌های شمال و شمال شرقی قزوین

این گویش‌ها شامل: الف) گویش برخی روستاهای دهستان کوهپایه قزوین از جمله رزه‌جرد، نوده، اسبه‌مرد، حصار؛ ب) گویش روستاهای رودبار علیا (رودبار الموت) از جمله گونه‌های مراغی، دِکین، موشقین، گرمارود و بلوکان؛ ج) گویش الموت شامل معلم کلاویه، استلبر، گازرخان، آوانک و غیره هستند.

۳-۵- گویش خوئین و سفیدکمر زنجان

این گویش‌ها در دهستان ایجرود^۱ زنجان تکلم می‌شوند خوئین روستایی در منطقه ایجرود در تقریباً شصت

کیلومتری جنوب غربی زنجان است. خوئینی‌ها به گویش خود «دی^۲» می‌گویند. ستوده (۱۳۳۷: ۳۲۴) گویش

۱. Ejarud (locally Hejarud)

۲. Di

خوئینی را از جمله لهجه‌های زبان آذری به‌شمار آورده است. گویش خوئینی به بهترین نحو در گویش سفیدکمر حفظ شده که روستایی در غرب خوئین است.

۴- انطباق در گویش‌های تاتی

در این بخش نویسنده به بررسی نظام انطباق در گونه‌های تاتی مورد نظر پرداخته است. ایزدی‌فر در این کتاب زحمات زیادی متقبل شده است. کسانی که در بخش نحو زبان کار کرده‌اند، می‌دانند که بررسی نقش‌ها و حالات موضوع‌های اصلی بندهای متعددی و لازم، آن‌هم در گویش‌هایی که در بخش نحوی شباهت کمی با زبان فارسی دارند، کاری بسیار طاقت‌فرسا است. به‌عنوان مثال، در یک جمله نویسنده باید دقت کند که زمان فعل چیست، فاعلش مؤنث است یا مذکر، مفرد است یا جمع، مفعولش چه رفتاری دارد، جنس دستوری مفعول چیست و مواردی دیگر از این قبیل. به‌عبارتی دیگر رفتار زبان در این حالت درست شبیه رفتار مهره‌های شطرنج است که حرکت یک مهره کوچک، بر تمام صفحه تأثیر می‌گذارد.

محققینی که زبان مورد بررسی آنها، زبان مادریشان است، در این نوع از تحقیق‌ها دچار اشتباه می‌شوند و کسی که زبان مادری‌اش با هیچ کدام از گونه‌های مورد بررسی یکی نیست، باید تلاش زیادی متحمل شود. ایزدی‌فر در این پژوهش نشان داده است که با تمام جزئیات زبانی این گونه‌های تاتی آشنا است و رفتار تمام سازه‌های زبان تاتی برایش آشناست. بخش اصلی کتاب پر است از جملاتی که شرایط پیچیده نحوی این زبان را نشان می‌دهد. بخش اصلی کتاب مملوّ از جملاتی شبیه جملات زیر است:

«مفعول مستقیم در زمان حال در صورتی که به اسم خاص اشاره به انسان ارجاع داشته باشد با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شود. تمایز جنس دستوری در حالت غیرمستقیم نشان داده نمی‌شود و هر دو اسم مفرد مذکر و مؤنث در حالت مفعولی با -e نشان داده می‌شوند.

مفعول اسم خاص مذکر:

- 1) az **hoseyn-e** âzân-em.
1Sg.Dir PN-Obl know. Prs-1Sg

من حسین را می‌شناسم» (ص ۳۱).

«در صورتی که مفعول مستقیم غیرانسان، نکره و دارای شمار بیشتر از یک باشد، مفرد مذکر محسوب می‌شود و با نشانه حالت مستقیم اسم‌های مفرد مذکر نشان داده می‌شود.

- 2) i gela čema râ **karg** bâva.
1 Cl 1Sg.Poss Post: for hen bring.Imp.2Sg

یک مرغ برایم بیاور» (ص ۳۵).

«در صورتی که مفعول مستقیم غیرانسان، نکره و دارای شمار مفرد باشد نشانه نکره می‌تواند به انتهای آن متصل شود. در این صورت، مفعول مفرد مؤنث تلقی می‌شود و فعل نیز برای مطابقت با آن به‌صورت سوم شخص مفرد مؤنث به‌کار می‌رود. برای مثال:

- 3) zer-a šav=em xâv-e ku i gela **asb-i** bind-â.

yesterday-obl night=1Sg sleep-Obl Post: in 1 Cl horse-Ind
see.Pst-3Sg.F

دیشب در خوابم یک اسب دیدم» (ص ۴۰).

«اسم‌هایی که به اشیاء غیرقابل شمارش همچون آب، آسمان، آتش، شیر، زغال، خاکستر، پول و ... اشاره دارند به‌عنوان اسم عام در نظر گرفته می‌شوند و مذکر هستند. اما تمام اسم‌های اشاره به یک شیء مفرد معرفه به‌عنوان اسم مؤنث تلقی می‌شوند و با نشانه مؤنث a- نشان داده می‌شوند (یارشاطر، ۲۰۰۹: ۵۵۵). برای مثال در جمله نخست زیر، اسم چای مذکر و در جمله دوم، مؤنث است:

1) **čây** Gand-e ku arzân-tar-e.
tea.M sugar cube-Obl Post:than cheap-more-be.Prs.3Sg.M

چای از قند ارزان‌تر است.

2) **čeme(n) čây-a šira niâ.**
1Sg.Poss tea-F sweet not be.Prs.3Sg.F

چای من شیرین نیست» (ص ۴۰).

نویسنده در تعریف انطباق نوشته است: «انطباق اصطلاحی گسترده است و به شیوه‌های مختلف رفتار با موضوع‌های اصلی بندهای متعددی و لازم در دستور یک زبان اطلاق می‌شود. رده‌شناسی انطباق نسبت به مجموعه ظرفیت واژگانی تعیین می‌شود و شامل انطباق تمام نقش‌های موضوعی با یکدیگر و با تمام انواع وابسته‌های اسمی و افزوده‌ها^۱ است. از آنجا که سلسله مراتب روابط دستوری به دسته‌بندی روابط دستوری بین یک فعل اصلی یا گزاره و موضوع‌های وابسته‌اش می‌پردازد، این سلسله مراتب نقش مهمی در ساماندهی ساختار دستوری ایفا می‌کند» (ص ۱۳).

نظام انطباق در چهار گویش کرینی، اشتهاردی، هزاررودی، و تاکستانی حساس به زمان است و بسته به زمان فعل متفاوت است و به دو گروه حال و گذشته تقسیم می‌شود. از میان پنج گویش مورد بررسی، تنها نظام انطباق جوبنی به‌طور کامل در زمان حال و گذشته یکسان است (ص ۱۷۷).

ایشان در مورد انطباق در تاتی نوشته‌اند: «تمام گونه‌های تاتی در جمله‌های حاوی فعل ساخته‌شده با ستاک حال از حالت‌نمایی و مطابقت فاعلی - مفعولی پیروی می‌کنند. اما در جمله‌های حاوی فعل ساخته‌شده با ستاک گذشته تنوع زیادی در میان گونه‌های تاتی مشاهده می‌شود. دبیرمقدم با بررسی نظام انطباق در تاتی چالی به این نتیجه رسیده که دو نظام مطابقت و حالت در کنار هم در صورت‌بندی نقش‌های دستوری در تاتی عمل می‌کنند اما به باور او (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۱۶۷) عملکرد نظام مطابقت و نظام حالت مستقل از یکدیگر است و شواهد برگرفته از تاتی چالی دستاورد مهم رده‌شناسی زبان است» (ص ۱۴).

بیشتر گویش‌های تاتی کنونی نظام حالت دوتایی و جنس دستوری را حفظ کرده‌اند. در نظام اسم‌ها و ضمائر در گروه زبانی تاتی تبار، نظام حالت دوتایی وجود دارد. این دو حالت عبارتند از حالت مستقیم^۲ و حالت

۱. adjuncts

۲. direct

غیرمستقیم^۱، که هر یک نقش‌های مختلفی را بر عهده دارند. حالت مستقیم اسم مفرد مذکر عموماً بدون نشانه است و هیچ پایانه حالتی به آن اضافه نمی‌شود. نقش‌های حالت مستقیم عبارت‌اند از:

الف) فاعل فعل‌های لازم در تمام زمان‌ها

ب) فاعل فعل‌های متعدی در زمان حال

ج) مفعول فعل‌های متعدی در زمان گذشته (این کاربرد در برخی گویش‌ها وجود دارد)

د) مفعول مستقیم نکره در زمان حال (و گذشته در برخی گویش‌ها)

ه) مقصد بدون حرف اضافه پیشین

اکثر گویش‌های تاتی حداقل یک حالت غیرمستقیم (مفرد) دارند و در برخی از گویش‌ها گاهی دو و یا حتی سه حالت غیرمستقیم (مفرد مذکر، مفرد مؤنث، جمع) نیز وجود دارد (همان).

به‌طور کلی آنچه ایزدی فر در این بخش از کتاب نظام انطباق در زبان تاتی به آن پرداخته به این شرح است:

نظام انطباق شامل: ویژگی‌های دستوری، نظام حالت‌نمایی در زمان حال، نظام حالت‌نمایی در زمان گذشته، نظام مطابقت در زمان گذشته، ضمائر پی‌بستی، ساخت‌های دو مفعولی، تضعیف نظام انطباق، مفعول‌نمایی افتراقی.

آن‌چنان‌که از روی فهرست نیز پیداست، مبحث مفعول‌نمایی افتراقی فقط در گونه جوئی بحث شده‌است، اما در بخش نتیجه به مفعول‌نمایی افتراقی گونه‌های دیگر نیز پرداخته‌است.

از نکات آوایی قابل توجه این کتاب، عدم وجود واکه /ə/ است. این واکه که صدایی بین a و e دارد، واکه‌ای است که در اغلب گونه‌های تاتی وجود دارد و علاوه بر تاتی در اغلب گونه‌های تالشی و گیلکی نیز رایج است. در شواهد کرینی و تاکستانی این کتاب، چنین واکه‌ای به چشم نمی‌خورد، یعنی هیچ واژه‌ای چنین واکه‌ای را در خود راه نداده‌است. این در حالیست که در تاتی کرینی این واکه به وفور به چشم می‌خورد و نگارنده این نقد که خود از نزدیک با گویشوران این گونه در ارتباط است، چنین واکه‌ای را بارها شنیده‌است. ایزدی فر هر جا چنین واکه‌ای شنیده به صورت [e] نشان داده‌است. این امر از دو حالت خارج نیست: الف) ایشان تحت تأثیر احسان یارشاطر و کوروش صفوی چنین شواهدی را نوشته‌اند؛ ب) ایشان این واکه را که در زبان فارسی وجود ندارد، اغلب به صورت [e] شنیده‌اند، چون اغلب فارس‌زبانان این واکه را به همین صورت می‌شنوند و می‌نویسند. یارشاطر همه گونه‌های تاتی خلخال را بررسی نکرده و در بعضی از مقالات خود به شواهدی از آنها اشاره می‌کند، بدان خاطر گاه وجود واج [ə] بر او محرز شده و بدان اشاره کرده و گاه محرز نشده‌است. صفوی نیز در مقاله‌ای به نام «نکاتی درباره نظام آوایی تاتی کلوری» نوشته‌اند: «یارشاطر [ə] را یکی از واج‌های واکه‌ای شالی می‌داند، اما برای تقابل میان آن و دیگر واج‌های واکه‌ای شالی جفت کمینه‌ای به دست نمی‌دهد» (صفوی، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

۱. oblique

درباره این نکته باید گفت در کلیه گونه‌های تاتی شاهرود خلخال (نک. سبزیلیپور، ۱۳۹۴)، این واج وجود دارد و تاتی کلوری نیز از این امر مستثنی نیست. یارشاطر گویا در تاتی کرینی به واکه [ə] برخورد نکرده است، اما در تاتی شالی به وجود آن اشاره کرده است. در زبان تاتی خلخال، جفت کمینه‌هایی هستند که نشان می‌دهد چنین صدایی واجگونه نیست، بلکه واج است:

bez	بیزار، خسته	zer	ازگیل، یا کونوس به زبان گیلکی
bəz	بُز	zər	صدای خر، عرعراغ

در تاتی تاکستانی نیز این واج وجود دارد و در پژوهش‌های زیادی به این واکه اشاره شده است. رحمانی (۱۳۹۶: ۱۶۱) این واکه را به صورت [ə] نشان داده است. در تاتی رودباری نیز چنین واکه‌ای وجود دارد و در مثال‌های گونه جوئنی این واکه در همین کتاب به چشم می‌خورد. طاهری (۱۳۸۸: ۷) به این واکه برخورد کرده و در کتاب خود آورده است. طاهری این واکه را با علامت [ɛ] نشان داده است. ایزدی‌فر گرچه از این منبع استفاده کرده، اما در هنگام نقل شواهد این واج را ثبت نکرده و به جایش [e] را ثبت کرده است. مثلاً در صفحه ۱۴۱ شناسه‌های فعل لازم را به نقل از طاهری نوشته است، اما نکته اینجاست، شناسه‌ای را که طاهری به شکل -indɛ آورده، ایزدی‌فر، در شاهد صفحه بعدش (ص ۱۴۱) به شکل -inde ثبت کرده است: yāvâš virit-inde (آهسته دویندن).

نکته دیگری که در این کتاب به چشم می‌خورد، شواهدی است که در اغلب گونه‌ها به شکل میدانی جمع‌آوری شده ولی در گونه جوئنی، اغلب شواهد کتابخانه‌ای می‌شود و به نقل از علیزاده، ۱۳۸۹ بیان می‌گردد. این امر گرچه هیچ ایرادی بر ایشان وارد نمی‌کند، اما ممکن است نکات ریز و درشتی که ایشان در مثال‌های میدانی خود از زبان گویشور شنیده‌اند، در این منبع کتابخانه‌ای اصلاً نباشد.

در صفحه ۲۶ هنگام بررسی ویژگی‌های دستوری کرینی، به جنس دستوری این گونه اشاره کرده و نوشته است: «جنس دستوری در کرینی دارای نظام پیچیده و جالب توجهی است. تمام اسم‌ها به لحاظ دستوری دارای جنس دستوری مذکر یا مؤنث هستند». این جمله آخر که مدعی است همه اسم‌های کرینی یا مؤنث یا مذکر هستند، کمی قابل تأمل است، چون به طور کلی وجود اسم خنثی در این زبان نادیده گرفته شده است. چنین حکمی برای زبان‌هایی که تمایز جنس دستوری مؤنث و مذکر ندارند، هم قابل طرح نیست. مثلاً در زبان فارسی که جنس دستوری تمایز ندارد، اسم در مواقعی خنثی است:

خروس از مرغ بهتر است.	(در این جمله مرغ مؤنث است).
گوشت مرغ بهتر از گوشت گوسفند است.	(در این جمله مرغ خنثی است).

(برای تمایز جنس دستوری مؤنث و مذکر تاتی شاهرود خلخال، نک سبزیلیپور، ۱۳۹۲).
از پیچیدگی‌های جنس دستوری در تاتی کرینی می‌توان به نمونه‌ای اشاره کرد: «به غیر از اسم‌های اشاره به انسان، استفاده از جنس دستوری در کرینی بستگی به شمار و قابل شمارش بودن یا نبودن اسم‌ها دارد.

تمام اسم‌های عامی که از موارد منفرد^۱ ساخته شوند اسم مذکر تلقی می‌شوند. همچنین تمام اسم‌هایی که به اشیاء غیرقابل شمارش همچون آب، آسمان، آتش، شیر، زغال، خاکستر، پول و ... اشاره دارند به‌عنوان اسم عام در نظر گرفته می‌شوند و مذکر هستند. اما تمام اسم‌های اشاره به یک شیء مفرد معرفه به‌عنوان اسم مؤنث تلقی می‌شوند و با نشانه مؤنث a- نشان داده می‌شوند (یارشاطر، ۲۰۰۹: ۵۵۵). برای مثال در جمله نخست زیر، اسم چای مذکر و در جمله دوم، مؤنث است:

- 3) **čây** Gand-e ku arzân-tar-e.
tea.M sugar cube-Obl Post: than cheap-more-be.Prs.3Sg.M

چای از قند ارزان‌تر است.

- 4) **čeme(n) čây-a šira niâ.**
1Sg.Poss tea-F sweet not be.Prs.3Sg.F

چای من شیرین نیست» (ص ۲۷).

در متن زیر این پیچیدگی بیشتر به چشم می‌خورد:

«زمانی که اسمی با *igla/ila* یا *-i* "یک" نکره شود، معمولاً اسم مؤنث تلقی می‌شود. برای مثال:

- 1) **i gela goja** das-em ku jigines-â, leh âbi-yâ.
1 Cl tomato hand-1Sg.Poss Post: from fall.Pst-3Sg.F squeeze
become.Pst-3Sg.F

یک دانه گوجه‌فرنگی از دستم افتاد له شد.

زمانی که اسمی با شمار دو یا بیشتر مشخص شود، اسم مذکر تلقی می‌شود (یارشاطر، ۲۰۰۹: ۵۵۶). برای مثال:

- 2) **dâr-e sar-e ku do gela GarGa nešt-a.**
tree-Obl hear-Obl Post: on 2 Cl crow sit.Pst-3Sg.M

نوک درخت دو کلاغ نشسته‌اند.

۵- سخن پایانی

زبان تاتی از زبان‌هایی است که به دلیل برداشتن بعضی از ویژگی‌های خاصی که در دیگر زبان‌ها نیست، شایسته تحقیق فراوان است. خانم ایزدی‌فر در سال‌های اخیر با پژوهش‌های دقیق و علمی خود توانسته است، بعضی از مشکلات این زبان را در تعدادی از گونه‌ها حل نماید. در این کتاب که بخشی از رساله نامبرده است، نویسنده نظام مطابقه را به خوبی نشان داده است و از این نظر شایسته تقدیر است.

نکات ذکر شده در جنب زحمات آوانویسی، ترجمه، دقت و ریزینی ایزدی‌فر در این پژوهش، بسیار ناچیز است. مشابه چنین تحقیق‌هایی در این عصر ناچیز است. ناگفته پیداست که اگر زحمات استاد راهنمای ایشان جناب دکتر محمد راسخ مهند و نیز جناب دکتر حسن رضایی باغبیدی در این کار نبود، این پژوهش نیز نبود.

۱. individual

برای ایشان و تمام محققینی که برای زبان‌ها و گویش‌های ایرانی زحمت می‌کشند، آرزوی توفیق و بهروزی دارم.

منابع

- ایزدی‌فر، راحله (۱۳۹۶)، *نظام مطابقه در زبان تاتی، رشت: فرهنگ ایلیا*.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تهران: سمت*.
- رحمانی، جواد (۱۳۹۶)، *نگاهی به ساختار اسم در گویش تاتی تاکستان، تهران: گیوا*.
- رضایی، احمد (۱۳۸۴)، «تنوع فرهنگی در استان گیلان»، *مطالعات ملی*، شماره پیاپی ۲۱: ۱۲۳-۱۴۰.
- سبزعلیپور، جهاندوست (۱۳۸۹)، *زبان تاتی، توصیف گویش تاتی رودبار، رشت: فرهنگ ایلیا*.
- سبزعلیپور، جهاندوست (۱۳۹۲)، «تمایز جنس مؤنث و مذکر در گویش تاتی خلخال»، *ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، دوره جدید، شماره دوم: ۶۵-۸۹*.
- سبزعلیپور، جهاندوست (۱۳۹۴)، *گنجینه گویش‌های ایرانی (تاتی خلخال)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی*.
- ستوده، منوچهر (۱۳۳۷)، «خوئینی»، یکی از لهجه‌های آذری، *فرهنگ ایران زمین*، شماره ۶: ۳۲۴-۳۲۷.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۶)، «نکاتی درباره نظام آوایی تاتی کلوری»، *نشریه زبان و ادب*، شماره ۲: ۱۰۶-۱۱۴.
- طاهری، عباس (۱۳۸۸)، *بررسی گویش تاتی تاکستان، تاکستان: انتشارات سال*.
- لُکوک، پیر (۱۳۸۳)، *گویش‌های حاشیه دریای خزر و گویش‌های شمال غرب ایران، راهنمای زبان‌های ایرانی، رودیگر اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، تهران: ققنوس*.
- یارشاطر، احسان (۱۳۳۶)، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، سال پنجم شماره ۱ و ۲: ۱۱-۴۶.
- یارشاطر، احسان (۱۳۵۴)، *آذری، دانشنامه ایران و اسلام، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب: ۶۱-۶۹*؛
- Stilo, Donald L. (1961), The Tati language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia. In *Iranian Studies*, Vol. 14, No. 3/7: 137-187.
- Yar-Shater. Ehsan (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague Mouton.
- Yar-Shater. Ehsan (2009), "Four Tati Sub-Dialects". in *Exegisti monumenta, festschrift in Honour of Nicholas Sims-Williams*, W. Sunderman, A. Hintze & F. Blois Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 551-570.